

تهران هنوز کوتاه‌ترین شهر دنیاست

مصاحبه با آقای مهندس مشهودی در روزنامه نشاط

مقاله شماره ۸۵

اردیبهشت ۱۳۷۸

تهران هنوز کوتاه‌ترین شهر دنیاست

اشاره

دیدن ساختمان‌های بلند در شهر گاهی دلپذیر است و گاهی نه. زندگی در آنها نیز همین‌طور. گاه هنگام حرکت در خیابان یا رانندگی در بزرگراه ساختمانی از دور همچون تابلو یا نشانه‌ای زیبا به‌نظر می‌رسد. اگر کمی دقت کنید متوجه می‌شوید ساختمان در جای مناسبی ساخته شده است. فضای باز کافی در اطراف آن وجود دارد، بر ساختمان‌های کوتاه‌تر دوروبر خود سنگینی نمی‌کند و خلاصه با محیط پیرامون هماهنگی دارد. اما گاهی این‌طور نیست. ساختمان‌های بلند به‌نظر خوشایند می‌آید و از دیدن آن احساس خفگی می‌کنیم. نه تنها منظره زیبایی به‌وجود نیاورده است، بلکه منظره‌های زیبا را در پس خود نهان کرده است، با ساختمان‌های دوروبر خود هماهنگی ندارد. روی هم رفته مانند زایدی در سطح شهر به‌نظر می‌رسد. احداث ساختمان‌های بلندمرتبه در چند سال اخیر بحث‌های فراوانی در جامعه برانگیخت. حساسیت موضوع به حدی بود که تهیه و تدوین ضوابط و مکانیابی احداث ساختمان‌های بلندمرتبه در تهران ضرورت یافت. تا زمان تصویب این طرح در بهمن‌ماه ۱۳۷۷، حدود دو سال احداث ساختمان‌های بلند در تهران متوقف شد. گفت و گو با آقای مهندس سهراب مشهودی به آشنائی با این طرح کمک می‌کند:

شما احتمالاً چهارراهی را در شهر مشهد می‌شناسید که با وجود نامگذاری‌های مختلف هنوز به چهار طبقه معروف است. اما در پیرامون آن ساختمان‌های بسیار بلندتر از چهارطبقه دیده می‌شود. گویا چند دهه پیش ساختمانی چهار طبقه در آن جا ساخته شده است و به‌دلیل عظمت و ابهت ساختمان، آن منطقه را چهارطبقه نامیده‌اند. به‌نظر می‌رسد مفهوم برج یا ساختمان بلندمرتبه، نسبی است و با گذشت زمان تغییر می‌کند. واقعاً ساختمان بلندمرتبه یعنی چه؟

سهراب مشهودی: همان‌طور که گفتید مفهوم "ساختمان بلندمرتبه" مفهومی نسبی است و در شهرهای مختلف و زمان‌های متفاوت، تغییر می‌کند. در حال حاضر در شهرهای متوسط به بالای دنیا، ساختمان بیش از ده طبقه را ساختمان بلندمرتبه می‌شناسند، اما در طرحی که برای تهران تهیه شد، ساختمان ۶ طبقه و بیشتر، معیار بلندمرتبه بودن قرار گرفت. در هر صورت نمی‌توان معیار معین و ثابتی را برای آن در نظر گرفت. بسیاری از مردم تصور می‌کنند که در تهران برج‌های فراوانی ساخته شده است و تعداد ساختمان‌های بلندمرتبه آن چشمگیر است، اما شما در مقاله‌ای نوشته‌اید تهران یکی از کوتاه‌ترین شهرهای بزرگ دنیاست، منظورتان چیست؟

سهراب مشهودی: بهتر است به آمار ارقام مراجعه کنیم. در تهران حدود ۱,۰۷۰,۰۰۰ واحد ساختمان وجود دارد، که ۸۵ درصد آن را ساختمان‌های ۱ و ۲ طبقه تشکیل می‌دهند، ۱۲ درصد از ساختمان‌ها ۳ و ۴ و ۵

طبقه هستند و ۳ درصد باقیمانده یعنی حدود ۳۰,۰۰۰ واحد ساختمان بیش از ۵ طبقه ساخته شده است. حال اگر معیار ۱۰ واحد است. یعنی فقط یک در هزار از کل ساختمان‌ها، بنابراین تعداد ساختمان‌های بلندمرتبه تهران چندان هم زیاد نیست.

در مقایسه با شهرهای دیگر دنیا چطور؟

سهراب مشهودی: برای مقایسه تهران با شهرهای هم‌تراز خود در دنیا بهتر است از دو شاخص تراکم جمعیتی و تراکم ساختمانی استفاده کنیم. متوسط تراکم جمعیتی تهران ۹۶ نفر در هکتار و تراکم ساختمانی کمتر از ۱۰۰ درصد در هکتار است. در صورتی که در شهرهای دارای بیش از ۲ میلیون نفر دنیا، تراکم جمعیتی بین ۱۵۰ تا ۲۵۰ نفر در هکتار یعنی ۱/۵ تا ۲/۵ برابر تهران و تراکم ساختمانی معادل ۲۴۵ درصد یعنی بیش از ۲/۵ برابر تهران است. بنابراین با مقایسه این معیارها پی می‌بریم که هنوز نمی‌توان تهران را شهر بلندمرتبه‌ای دانست.

یعنی تهران در مقایسه با شهرهای بزرگ دنیا شهر کوتاهی است و تعداد ساختمان‌های بلندمرتبه آن در مقایسه با دیگر ساختمان‌های شهر زیاد نیست. بنابراین چرا موضوع برج‌سازی در چند سال اخیر سر و صدای فراوان ایجاد کرده است، تا آنجا که حتی نزدیک به ۲ سال، احداث ساختمان‌های بیش از ۷ طبقه در تهران ممنوع شد؟

سهراب مشهودی: در سال‌های اخیر شهرداری تهران براساس مصوبه‌های شورایی عالی شهرسازی، مجوز فروش تراکم تا ۲۵ درصد کل تراکم ساختمانی را داشت. علاوه بر این، طرح جامع تهران نیز اجازه می‌داد حتی تا ۳۰ درصد برخی از مناطق به بلندمرتبه‌سازی اختصاص یابد. اما ضوابط و مقرراتی وجود نداشت که شهرداری را در جهت صحیح احداث ساختمان‌های بلند هدایت کند. بنابراین برخی از ساختمان‌های بلند از نظر محل استقرار، شکل ساخت، بی‌توجهی به ترافیک، رعایت نکردن حقوق همسایگی و نظایر آن، مشکلاتی به وجود می‌آورند. البته کشورهای دیگر دنیا نیز کم و بش همین روال را طی کرده‌اند. در برخی از کشورها چند دهه بعد از شروع بلندمرتبه‌سازی، مواردی مانند رعایت ایمنی ساختمان، کیفیت دسترسی، حفظ دید و منظر شهری و غیره مطرح شد. در واقع در دنیا از دهه ۱۹۷۰ به فکر تدوین ضوابط و محدودیت‌هایی برای احداث ساختمان‌های بلند افتادند.

ساختمان‌های بلند دهه ۱۹۷۰ مرا به یاد یکی از فیلم‌های مشهور هالیوود به نام "آسمان خراش جهنمی" می‌اندازد که در همان دوران ساخته شده است. آیا این فیلم را دیده‌اید و به نظر شما ارتباطی بین این دو موضوع یعنی سینما و شهرسازی وجود دارد؟

سهراب مشهودی: بله من فیلم را دیده‌ام. اما تا آن جا که به خاطر می‌آورم این فیلم درباره ایمنی برج‌ها از خطر آتش‌سوزی است. در حالی که موضوع مورد بحث ما در مقیاس شهر است و ساختمان بلند به‌عنوان یک عنصر شهری موردنظر ماست.

حالا که صحبت از کشورهای دیگر شد، بد نیست نگاهی به تاریخچه پیدایش آسمان‌خراش‌ها بیندازیم. شما در جایی اشاره کردید که یکی از هفت ابتکار تکنولوژیکی که در اواخر قرن نوزدهم شکل شهرها را عمیقاً تغییر داد احداث آسمان‌خراش‌ها بوده است. لطفاً در این باره توضیح بفرمائید.

سهراب مشهودی: آسمان‌خراش به معنای امروزی آن نخستین بار در دهه ۱۸۷۰ در شهرهای آمریکا ظاهر شد. در سال ۱۸۷۰ منهتن و شیکاگو شهرهائی افقی بودند که برج و کلیسا با ارتفاع متوسط چهار تا پنج طبقه بر آنها احاطه داشتند. ساختمان‌های ده طبقه که در سال ۱۸۸۴ در شیکاگو ساخته شدند، نخستین آسمان‌خراش‌ها به‌شمار می‌آیند. اما گسترش واقعی آسمان‌خراش‌ها پس از اختراع و تکمیل آسانسورها و ساختمان‌های اسکلت فلزی در قرن بیستم دانست و همانطور که گفتم از دهه ۱۹۷۰ موضوع ضوابط و محدودیت‌های احداث آنها پیش آمد.

بنابراین دست کم از این لحاظ ما چندان عقب نیستیم.

سهراب مشهودی: بله، خوشبختانه زود به فکر جلوگیری از گسترش ناموزون ساختمان‌های بلند افتادیم. احداث برج‌ها در نقاط نامناسب، شکایت شهروندان به دادگستری و موارد دیگری که شاید اصلاً ربطی به مسائل فنی و علمی نداشت موجب این کار شد.

شما به آثار منفی گسترش بی‌ضابطه برج‌ها اشاره کردید. در دو سه سال اخیر نیز مرتب سخن از بدی‌های احداث ساختمان‌های بلند می‌گویند به حدی که مفهوم برج‌سازی با سوداگری یکی شده است. در این صورت چه ضرورتی وجود دارد که اساساً ساختمان بلند بسازند. بهتر نیست جلوی این کار را بگیرند و ساختن برج را به‌طور کلی ممنوع اعلام کنند؟

سهراب مشهودی: این کار امکان‌پذیر نیست، چون جلوی واقعیتهای اجتناب‌ناپذیر را نمی‌توان گرفت. من از طرفداران سرسخت نظریه پیروی شهرسازی از اقتصاد هستم و عقیده دارم اقتصاد زمین در شهرهای بزرگ، ساختن برج را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. علاوه بر آن ساختن برج از رشد ناموزون شهرها جلوگیری می‌کند و مزایای بسیاری هم دارد. شما موضوع آلودگی هوا و محیط‌زیست را در نظر بگیرید. ایجاد ساختمان

بلندمرتبه‌ای با مثلاً ۵۰۰ واحد مسکونی به مفهوم آن است که شما ۵۰۰ موتورخانه را در یکجا جمع کرده‌اید. آن هم موتورخانه‌ای که مدرن‌تر است و دود و آلودگی آن را می‌توان مهار کرد. در تهران حدود ۸۰۰ هزار ساختمان به‌طور متوسط ۲ طبقه وجود دارد که اگر به‌طور متوسط ۸ طبقه بودند، تعداد موتورخانه به یک چهارم کاهش می‌یافت و اثرات مهمی بر کاهش آلودگی هوا می‌گذاشت. همچنین می‌توان از بازیافت فاضلاب برج‌ها برای آبیاری فضاهای سبز محوطه پیرامون یا برای آب مصرفی سیفون‌ها استفاده کرد. نگهداری کودکان و سالخوردگان و کودکان نیز در این مجتمع‌ها به روش ساده‌ای امکان‌پذیر است. در ساختمان‌های بلند می‌توان جایی برای سالخوردگان در نظر گرفت تا در ساعت‌هایی از روز به آنجا بروند و شب‌ها به خانواده خود بپیوندند. یا موضوع مراقبت از کودکان به شکل ساعتی و مواردی نظیر اینها را می‌توان نام برد.

امتیازهایی که شما برای مجتمع‌های بلند برشمردید موضوعی است که در نیمه اول این قرن بسیار وسوسه‌انگیز بود. در دهه ۱۹۳۰ شهرساز معروف، لوکوربوزیه، احتمالاً با در نظر گرفتن امتیازهایی که شما اشاره کرده‌اید طراحی شهرهایی در قالب ساختمان‌های بلند را مطرح کرد. اما لوکوربوزیه بسیار به ماشین و امکانات دل بسته بود. تا آنجا که مسکن را ماشینی برای سکونت می‌دانست. فقط چند دهه بعد و در اوایل دهه ۱۹۷۰ این طرز تفکر با انفجار و فروپاشی مجموعه‌های مسکونی عظیم با شکست روبرو شد. عده‌ای انفجار این ساختمان‌ها را سرآغاز دوره پست مدرنیسم در شهرسازی و معماری می‌دانند. نظر شما چیست؟

سهراب مشهودی: هر دو نظر بسیار قدیمی است و اصولاً در شرایط دیگری و برای جوامع متفاوتی طرح شده است. دیدگاه پست‌مدرنیستی به‌خصوص در بعد معمارانه‌اش متناسب با اندام جامعه غربی است. در جوامع غربی رشد شهرها به صفر رسیده و تعداد ساختمان‌هایی که باید احداث شود به قدری کاهش یافته است که به قول چارلز جنکس صرف هفت سال وقت برای یک ساختمان، طبیعی است. اما در کشورهای در حال توسعه شرق، رشد شهرها هر ده سال دو برابر می‌شود و بنابراین موضوعات دیگری به وجود می‌آید. درس گرفتن از غرب شاید نامطلوب نباشد اما اگر به‌صورت تکرار خشک تجربه آن و بدون در نظر گرفتن شرایط خودمان باشد بسیار زیان‌آور است.

اجازه بدهید دوباره به کشور خودمان برگردیم. رفع مشکلات برج‌سازی در چند سال اخیر در تهران و شکل دادن به روند احداث برج‌ها در قالب طراحی پیش‌بینی شده است که جناب‌عالی و همکاران تهیه کرده‌اید و در بهمن ماه ۱۳۷۷ تصویب شد. اگر ممکن است درباره این طرح توضیحی بدهید.

سهراب مشهودی: همانطور که عرض کردم شهرداری در سال‌های اخیر دارای مجوز فروش تراکم و احداث ساختمان‌های بلند بود ولی ضوابطی که این کار را قانونمند سازد وجود نداشت. در سال ۱۳۷۴ تهیه ضوابط بلندمرتبه‌سازی در دستور کار قرار گرفت و در مرداد ۱۳۷۷ به تصویب رسید. این ضوابط براساس مواردی مانند قطع نکردن اشعه زمستانی به وسیله ساختمان‌های بلند، رعایت فاصله مناسب دو ساختمان از یکدیگر، رعایت سرانه مناسب فضای باز، هماهنگی ارتفاع ساختمان با مساحت زمین، مکان استقرار ساختمان و عرض معبر مجاور تهیه شد.

پس از تهیه ضوابط مزبور، مطالعات طرح مکانیابی ساختمان‌های بلند در تهران آغاز شد. این طرح از دو زاویه به موضوع نگاه می‌کرد. نخست، تعیین مناطق مناسب برای برج‌سازی در تهران، به این ترتیب که با رعایت معیارهایی مثل همجواری با فضای باز و سبز، هماهنگی با ارتفاعات، نشانه‌سازی شهری و سایر موارد، تهران از نظر معیارهای مثبت بلندمرتبه‌سازی به سه منطقه تقسیم شد. دوم، تعیین مناطق ممنوع برج‌سازی. در این مرحله براساس عوامل حذفی مانند گسل‌های زلزله، اثرات منفی منظرسازی، مشکلات ترافیک، کمبود تأسیسات شهری و غیره، مناطق ممنوع احداث برج مشخص شد. سرانجام موضوع آلودگی هوا نیز در نظر گرفته شد. باتوجه به آلودگی هوای مناطق مختلف شهر، ضریب تعدیلی در طرح پیش‌بینی گردید که براساس آن هرچه آلودگی هوای منطقه بیشتر باشد سرانه فضای باز افزایش می‌یابد تا آلودگی هوا را جبران کند. با تصویب این طرح و ضوابط یاد شده در ۱۳ بهمن ۱۳۷۷ در شورایی عالی شهرسازی و معماری ایران، راه برای قانون‌مند شدن احداث ساختمان‌های بلند در تهران باز شد.

ضوابط طرح جدید چه تأثیری بر معماری و به‌طور کلی بر سیمای شهر خواهد گذاشت؟

سهراب مشهودی: معماری ما سال‌ها در چنبره ضابطه احداث یک مکعب مستطیل در ۶۰ درصد شمال زمین گرفتار بود. در مقررات جدید برای هر قطعه زمین یک هرم فضایی ترسیم می‌شود که با رعایت سرانه فضای باز و چند ضابطه دیگر، احداث بنا در محدوده آن هرم مجاز خواهد بود. به این ترتیب به‌نظر من می‌توان در انتظار خلق آثار بسیار متنوع و هنرمندانه در آینده بود.

آیا طرح ضوابط و مکانیابی ساختمان‌های ۶ طبقه و بیشتر برای نظم بخشیدن به جریان بلندمرتبه‌ساز کافی است. برخی از کارشناسان تعمیم دادن ضوابط یکسانی را به کل شهر صحیح نمی‌دانند و موضوع طراحی‌های موردی یا موضعی را مطرح می‌کنند. نظر شما چیست؟

سهراب مشهودی: در طرح ما این مسائل مورد توجه قرار نگرفته است، اما دو نکته را باید توضیح دهم. نخست این که این طرح به اصطلاح پائین دست طرح جامع مصوب تهران است. به این مفهوم که در طرح جامع تهران پیش‌بینی شده است، حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از ساختمان‌ها به صورت بلند ساخته شود، بنابراین مسائل اجتماعی باید در آن طرح مورد توجه قرار گرفته باشد. حالا اگر ما می‌خواستیم به مطالعات اجتماعی بپردازیم، ساختمان‌های بلند همچنان ساخته می‌شد، منتها بدون دقت و ظرافت لازم.

نکته دیگر این که من با نظر شما چندان موافق نیستم. سکونت جمعی در ایران پدیده جدیدی نیست، بلکه ساختمان‌های تک‌واحدی و سکونت جدا از هم جدید است. توجه شما را جلب می‌کنم به مقاله‌ای با عنوان "سابقه فرهنگ زندگی جمعی در ایران" نوشته خانم مهندس زهره بزرگ‌نیا، در این مقاله اشاره شده است که در ایران هفتاد، هشتاد سال پیش، چند خانوار با هم در یک مسکن زندگی می‌کردند. همچنین چند خانه از طریق کوچ‌های به هم مرتبط می‌شدند که با در مشترک بسته می‌شد. بنابراین زندگی جمعی در ایران ریشه در فرهنگ شهرنشینی ما دارد.

اما این شکل ساختمان‌ها و موقعیت آنها با ساختمان‌های قدیمی متفاوت است. با این مشکل چگونه می‌توان برخورد کرد؟ چگونه می‌توان میان ساختمان‌های جدید و شهر قدیم ارتباط برقرار کرد؟

سهراب مشهودی: اتفاقاً راه حل‌های جالب توجه دارد. من اخیراً در طرح یکی از همکاران در شهر اراک دیدم که در جای بخشی از دیوار قدیمی شهر، یک ردیف ساختمان چند طبقه طراحی شده است. به این ترتیب هم خاطره دیوار قدیمی زنده می‌ماند و هم از ساختمان‌ها می‌توان استفاده تازه کرد. حالا شما در نظر بگیرید که در تهران یا شهرهای دیگر در جای دیوارها و نشانه‌ها و ساختمان‌های بلند قدیمی، ساختمان‌های جدید طراحی و ساخته شود. با این کار از یک سو سایه تاریخی آن اثر قدیمی حفظ می‌شود و از سوی دیگر ساختمان‌های جدید و هوشمند در شهر گسترش می‌یابد.

لطفاً درباره پدیده سایه تاریخی و ساختمان‌های هوشمند بیشتر توضیح دهید.

سهراب مشهودی: ببینید، فقط آثار تاریخی و کهن شهری اغلب ممکن نیست. گاهی این آثار از بین رفته‌اند. گاهی نیز اصولاً یک رفتار یا عمل اجتماعی، خاصیت تاریخی یافته است. در آن مواقع می‌شود به جای اثر، به نمادی از آن بسنده کرد. به چیزی که خاطره آن را حفظ کند. ساختمان این ساختمان‌ها نیز در مقایسه با

ساختمان‌ها نمی‌توانند از عوامل مثبت خارجی مثل نور خورشید در تابستان استفاده کنند. در مجموع ساختمان‌های رایج را باید برای بیشترین مشکلات و فشارها، طراحی و محاسبه کرد. اما در مقابل مثال نصب ترموستات برای سیستم‌های حرارتی ساختمان، هوشمند کردن آن در استفاده از انرژی است. در آینده اجزای مختلف ساختمان‌ها را می‌توان هوشمند کرد. برای طراحی ساختمان‌های هوشمند، آزادی عمل فراوان برای طراح لازم است و ضوابط جدید این آزادی را فراهم می‌کند.

حتی اخیراً سخن از رشد شهرهای هوشمند می‌رود. در مباحث جدید رشد گسترده شهرها در گذشته و تراکم پایین آنها غیراقتصادی و زیان‌بار شناخته شده است.

انتظار می‌رود جریان احداث ساختمان‌های بلند در سال‌های آینده در شهرهای بزرگ کشور مانند مشهد، اصفهان، تبریز و شیراز نیز گسترش یابد، در این باره چه باید کرد؟

سهراب مشهودی: تراکم شدن شهرها و بلندمرتبه‌سازی شهرها بیش از هر چیز، ضرورتی اقتصادی است. تحقیقی که در سال ۱۳۷۲ به سرپرستی آقای کمال اطهری انجام شده است. نشان می‌دهد که رابطه بین قیمت زمین و بنا تعیین‌کننده تراکم ساختمانی است. در تهران تراکم اقتصادی متوسط ۲۴۰ درصد است، یعنی با شرایط موجود، از لحاظ اقتصادی باید ساختمان‌های تهران ۲/۴ برابر بلندتر شوند. همچنین در شهرهایی که در سطح وسیعی پخش می‌شوند اغلب معابر به‌خصوص معابر دسترسی به واحدهای مسکونی با ظرفیت کمتر کار می‌کنند و طول سفرهای شهری بی‌دلیل افزایش می‌یابد. ساختن مجتمع‌های بزرگ در زمین‌های بزرگ میسر است. بنابراین سطوح باز و سبز پیرامون این ساختمان‌ها مانند پارک‌های کوچک به لطافت هوای شهر کمک می‌کنند. مدیریت تأسیسات خانگی و شهری در مجتمع‌های بزرگ، آسان‌تر است. روی هم رفته جلوی واقعیت‌ها نمی‌توان ایستاد. بلکه باید در کنار واقعیات حرکت کرد و با تنه زدن، مسیر آنها را اصلاح کرد.

تاکنون درباره بلندمرتبه‌ها صحبت کردیم، تکلیف ساختمان‌های کمتر از ۶ طبقه چه خواهد شد؟

سهراب مشهودی: شهرداری تهران موظف شده است تا شهریور ماه ۱۳۷۸ طرح و ضوابطی برای ساختمان‌های ۲ تا ۵ طبقه نیز تهیه کند.

آینده را چگونه می‌بینید؟ چه می‌توان کرد و شما چه پیشنهاداتی کرد؟

سهراب مشهودی: باید بدی‌ها و خوبی‌های ساختمان‌های بلند را به مردم معرفی کرد. به‌ویژه نظر شورای شهر بسیار اهمیت دارد. ممکن است بعضی از اعضای شورا زیر تأثیر منتقدانی باشند که از جریان برج‌سازی سال‌های اخیر آزرده خاطر بوده‌اند و بخواهند در مقابل آن مقاومت کنند. یا برعکس بعضی از اعضا موافق گسترش این جریان باشند. باید از طریق نشریات مختلف، ساختن فیلم‌های کوتاه و بلند و شیوه‌های دیگر، جوانب مختلف بلندمرتبه‌سازی را روشن کرد. در این صورت می‌توان به شکل گرفتن جریان صحیحی امیدوار بود.

به پایان صحبت رسیده‌ایم، اگر نکته خاصی به نظرتان می‌رسد، بفرمائید.

سهراب مشهودی: پنهان‌کاری در شهرسازی ایران همواره زمینه‌های سوء استفاده را ایجاد کرده است. من در همینجا اعلام می‌کنم همه می‌توانند با مراجعه به شهرداری و انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز، جزوه، ضوابط و مکانیابی ساختمان‌های ۶ طبقه و بیشتر را دریافت کنند. با مطالعه این جزوه آنان خواهند دانست در کجای شهر تهران احداث ساختمان‌های بلندمرتبه مجاز است و چه شرایطی دارد. یا این که در چه مناطقی از شهر احداث ساختمان‌های بلند ممنوع است. آنان چنانچه مایل نیستند در جوار محل سکونت ایشان ساختمان بلند ساخته می‌شود می‌توانند در آن مناطق سکونت کنند.